




نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

صفحات: ۳۵-۵۴

10.52547/mmi.1583.14000309 

واکاوی قیاسی مفهوم سرزندگی شهری با سرزندگی بومی در

پیشینه تاریخی شهر اصفهان*

طیبه فارسی** شهریار ناسخیان*** احمد شاهپوندی****

چکیده

سرزندگی شهری، مفهومی نو در ادبیات تخصصی شهرسازی است. با وجود تعاریف متعدد سرزندگی توسط صاحب‌نظران، این تعاریف با توجه به جنبه‌های متفاوت سرزندگی، معادل خصوصیات اجتماعی فرهنگی سایر کشورها تعریف شده‌اند. اما سرزندگی پیش از شناخته شدن در ادبیات شهرسازی، در شهرها وجود داشته و در هر فرهنگی، تعاریف متفاوت داشته است. در صورتی که ادبیات جهانی سرزندگی بدون شناخت پشتوانه تاریخی آن در ایران مطالعه شود، این خطر پیش رو است که در راستای خلق سرزندگی شهری، برخی ارزش‌های بومی و تاریخی سرزندگی ایرانی به فراموشی سپرده شوند. به علاوه اینکه بافت‌های تاریخی که بخش جدانشدنی شهر هستند و محدودیت مداخله دارند، در راستای خلق سرزندگی شهری، از تمامیت شهر جدا مانده و افول بیشتر سرزندگی در این بافت‌ها سبب ترک و رکود بیشتر آنها شود. این تحقیق، معیارهای بومی خلق سرزندگی شهری را تعریف می‌نماید. لذا با انتخاب شهر اصفهان به عنوان یکی از تاریخی‌ترین شهرهای ایران، به جستجوی سرزندگی در گذشته تاریخی آن پرداخته شده و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهوم سرزندگی تاریخی و بومی با سرزندگی شهری چه هستند و مردم بومی چه فضایی در شهر اصفهان را سرزنده می‌پندارند؟ در این راستا، از دو روش تحقیق تحلیلی- تاریخی و پیمایشی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند سرزندگی در گذشته تاریخی اصفهان وجود داشته و تمامی شاخص‌های سرزندگی جهانی در گذشته تاریخی اصفهان، مصادیق بومی داشته‌اند. تعریف مردم بومی اصفهان از سرزندگی با ادبیات جهانی آن تطابق دارد، اما چگونگی و شکل و وزن آن متفاوت است؛ به شکلی که برخی معیارهای سرزندگی در اصفهان بیش از بقیه مورد تأکید هستند و معیارهای جهانی در این شهر از ارزش‌گذاری یکسانی برخوردار نیستند. میدان نقش جهان، به عنوان سرزنده‌ترین فضای شهری هم در گذشته تاریخی اصفهان و هم در حال حاضر از دیدگاه مردم بومی این شهر شناخته شد.

کلیدواژه‌ها: سرزندگی شهری، سرزندگی در پیشینه تاریخی، سرزندگی بومی، فضای شهری سرزنده

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری طیبه فارسی با عنوان «تحلیل اثرات سامان‌دهی معابر مرکز تاریخی شهر اصفهان بر ارتقای سرزندگی در راستای تدوین برنامه راهبردی حفاظت‌مبنا» به راهنمایی دکتر شهریار ناسخیان و دکتر احمد شاهپوندی در دانشگاه هنر اصفهان است. این رساله توسط معاونت پژوهشی شهرداری اصفهان حمایت شده است.

** دانش‌آموخته دکتری مرمت بنا و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول).

tayebefarsi@gmail.com

s.nasekhian@au.ac.ir

a.shahivandi@au.ac.ir

*** استادیار، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

**** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

سرزندگی در زبان فارسی به معنی نشاط است، اما در ادبیات تخصصی، سرزندگی استفاده می‌شود. صاحب‌نظران سرزندگی شهری، برای آن تعاریف متفاوتی را ارائه داده‌اند. اما سرزندگی مفهومی چند وجهی بوده و ابعاد مختلف کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و زیست‌محیطی را به خود اختصاص می‌دهد (شاهیوندی و همکاران، ۱۳۹۴). از آنجایی که مردم هر منطقه خصوصیات متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و مذهبی دارند و این مردم هستند که مخاطبین کیفیات فضای شهری هستند، لذا فرآیند درک و فهم محیط از سوی آنها صورت پذیرفته، ادراک شهروندان از فضا توأم با ریشه‌های فرهنگی و عرف جامعه، زمینه‌ساز شکل‌گیری چارچوب عملی فرد در استفاده از فضا و بروز رفتارهای اجتماعی در محیط است؛ بنابراین باید کیفیات ادراک مکان با تکیه بر فضای وجودی عمومی و خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی مخاطبین مورد توجه قرار گیرد (کریمی یزدی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابر آنچه ذکر شد، انتظار می‌رود سرزندگی در مناطق مختلف به اشکال گوناگونی ادراک شود. بنابراین در صورتی که این پشته‌های فرهنگی اجتماعی مخاطبین سرزندگی شهری شناخته نشوند، ممکن است ادراک مخاطبین شهری از ویژگی‌های سرزندگی برای مردم یک منطقه با مناطق دیگر متفاوت و بعضاً با اثرات معکوسی روبه‌رو شود. به‌عنوان مثال، یکی از مصادیق سرزندگی شهری در سایر کشورها، کافه‌ها و رستوران‌های خیابانی است که در بستر خود باعث فعالیت، رونق و نشاط و سرزندگی شهری شده و در مدت طولانی‌تری از شبانه‌روز جریان داشته و باعث نوعی حس امنیت و پویایی فضای شهری می‌شوند؛ در حالی که این موضوع در فرهنگ شهرنشینی و مدیریت شهری کنونی ایران، مقبولیت چندانی ندارد (مسعود و بیگ‌زاده شهرکی، ۱۳۹۲: ۱۴۸)؛ چرا که کنترل مردم بر فضای خود، از طریق رفتار قلمروپایی در محیط است (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۱۱) که موجب تأمین خلوت و فضای شخصی و احساس تعلق به محیط و رضایت از مکان می‌شود (Altman & Chemers, 1980). چگونگی بیان این نیازها و نحوه دست یافتن به آنها در جوامع مختلف به شدت متفاوت است (Hall, 1995) و نوع و میزان آن، به الگوی جاری فعالیت، زمینه فرهنگی و شخصیت و انتظارات فردی وابسته است (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در واقع، رفتار قلمروپایی در چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی به نظم درمی‌آید (Ardrey, 1966). فضای شخصی به‌عنوان تابعی از فرهنگ، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است

(Kreuz & Roberts, 2020). رصد خصوصیات فرهنگی مذهبی اجتماعی مردم ایران نشان می‌دهد ضرورت وجود حریم و فضای شخصی فضاهای کالبدی در ایران، بیش از برخی کشورها است؛ معماری درون‌گرای ایرانی خود مهر تأییدی بر این امر دارد. به‌عنوان نمونه، نتایج تعدادی از این مطالعات این انگاره را مطرح می‌نمایند که معماری به‌کاررفته در خانه‌ها، انعکاس و ترجمانی از فرهنگ‌ها است (Ozaki, Lee & Park, 2002). از طرفی، با مراجعه به لغت‌نامه‌های فارسی مشاهده می‌شود که حریم خصوصی در زبان فارسی عمدتاً صبغه دینی و شرعی داشته و تخطی از چارچوب آن، به‌عنوان کاری حرام و معصیت است (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۳). طی تحقیقی که در خصوص حریم عمومی در اذهان جمعیت ایرانی صورت پذیرفته است، چهار واژه نخست تداعی‌کننده حریم خصوصی در ایران، خانواده، خانه، آبرو و حرمت بوده که از فضای دینی حاکم بر این فرهنگ ارتزاق می‌نمایند و می‌توان آنها را به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ بسته حریم خصوصی در جمعیت ایرانی برشمرد؛ به‌علاوه این مؤلفه‌ها را می‌توان ترجمانی از جمع‌گرایی مبتنی بر خانواده‌محوری در این فرهنگ دانست. همچنین محرمانگی، یکی از ویژگی‌های عمده حریم خصوصی در جامعه ایرانی است. در همین راستا می‌توان به ترادف و قرابت مفهومی حریم در زبان فارسی با واژه "حیا" که وزن دینی زیادی با خود به همراه دارد نیز استناد نمود (ذبیح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). این امر در هنگام صرف غذا نیز وجود دارد، هر چند این‌گونه فضاهای شهری اخیراً در برخی شهرهای بزرگ مورد استقبال قشر جوان قرار گرفته، اما هنوز عدم استقبال از این‌گونه فضاهای شهری در شهرهای کوچک‌تر و بومی و برای گروه سنی میانسال و سالمند مشاهده می‌شود. بررسی پیشینه کافه‌ها در گذشته تاریخی ایران، یادآور قهوه‌خانه‌ها است که تفاوت زیادی با کافه‌ها دارند. در جامعه سنتی ایران، هر نهادی با نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و پشته‌ها نیاز مردم همخوانی داشت. قهوه‌خانه‌های ایرانی در دوره صفوی شکل گرفتند. سیاحان اروپایی مانند اولتاریوس آلمانی که در ۱۰۴۷ قمری مطابق 1637 میلادی در سفرنامه خود از چای‌خانه ختایی و قهوه‌خانه صحبت می‌کند. قبل از شکل‌گیری قهوه‌خانه و چای‌خانه به‌عنوان یک مکان عمومی، مردان جامعه کشاورزی و کارگری و بازرگان و صنعتگران و پیشه‌وران آن زمان، جایی برای تجمع نداشتند و در خانه‌های یکدیگر یا بزرگ صنف جمع می‌شدند. با شکل‌گیری قهوه‌خانه، این نهاد محفل مناسبی برای تجمع افراد هر صنف شد. در آغاز، قهوه‌خانه محل تجمع شعرا، ادبا و نویسندگان یعنی

حاوی سرزندگی تاریخی از شهرسازی ایرانی رخت بریندند. از طرفی، جامعه‌شناس شهری، الدنبرگ^۱ (1989-1999) در کتاب "مکان‌های بسیار خوب: کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، سالن‌های آرایش و پاتوق‌ها"، تجربه زندگی روزانه را در سه حیطه مطرح می‌کند؛ فضای اول برای سکونت، فضای دوم برای کار و فضای سوم برای زندگی اجتماعی و تفریح و گذران اوقات فراغت. تأکید او بر ضرورت تعادل زیست در این سه قلمرو به‌عنوان یک تجربه مطلوب زیستی است. توجه به فضای سوم به‌عنوان راهکاری مؤثر در پاسخ‌گویی به نیاز شهروندان امروز، در شهرسازی شهرهای مدرن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در آستانه هزاره سوم، فضاهای عمومی شهری به‌عنوان فضای سوم که نقشی اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند، مورد توجه جدی قرار گرفته و به کانون تمرکز دانش طراحی شهری بدل شده‌اند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹). فضای سوم به‌عنوان جایگاه زندگی اجتماعی و فضای عمومی به شهروندان قدرت می‌دهد که با بهره‌گیری از این نیازها و محرک‌ها، قلمروهای اجتماعی را در رابطه با افراد آشنا و غریبه فراهم آورند. فضای سوم شامل فضاهای عمومی گوناگونی است که پذیرای اجتماعاتی بوده که به شکل داوطلبانه دور از خانه و کار شادمانه دور هم جمع شده و اکثراً غیررسمی هستند (Oldenburg, 1999: 6). نمونه دیگر در زمینه مقایسه تطبیقی سرزندگی شهری با سرزندگی تاریخی را می‌توان در تأکید نظریه‌پرداز سرزندگی، جین جیکوبز، مثال زد که وی بر ضرورت بلوک‌های شهری کوچک جهت ایجاد سرزندگی تأکید داشته (جیکوبز، ۱۳۸۸: ۱۷)، در حالی که این امر در صورت عدم توجه به منشورهای بین‌المللی و صرفاً نگاه ایجاد شهر سرزنده بدون توجه به مصادیق سرزندگی بومی می‌تواند بسیار خطرناک بوده و منجر به مداخلات غیرعلمی در بافت‌های تاریخی و ارزشمند شهرهای ایران شود و موجب شود هندسه ارگانیک و درهم‌تنیده بافت‌های تاریخی، به هندسه‌ای شطرنجی و نامتناسب با سلسله مراتب این بافت‌ها بدل شود. لذا همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، با توجه به ادراک شهروندان از فضا توأم با ریشه‌های فرهنگی و عرف جامعه و اثرگذاری ادراک فرد در هر بستر تاریخی فرهنگی بر درک وی از سرزندگی (کریمی یزدی و همکاران، ۱۳۹۵)، شناخت سرزندگی در پیشینه تاریخی و بومی برای خلق و بسط سرزندگی مطابق ادبیات جهانی در شهرهای ایران ضرورت دارد. عدم شناخت پیشینه تاریخی سرزندگی ممکن است منجر به از خودباختگی فرهنگی و ورود عناصر نامتجانس با خصوصیات فرهنگی اجتماعی مردم ایران به شهرهای ایرانی شده و سبب افول و فراموشی

یک محفل ادبی بود. نصرآبادی (۱۳۷۸) در کتاب تذکره خود در دوره صفویه در مورد تجمع اهل فضل و ادبا در قهوه‌خانه‌ها توضیح می‌دهد. قهوه‌خانه بعداً پاتوق هنرمندان کوچک و بازار، نقالان برای شاهنامه‌خوانی، قصه‌گویان، تقلیدچی‌ها، نوازندگان دوره‌گرد، نقاشان، خیمه‌شب‌بازان و بازیگران روحوسی برای ارائه هنر آنها شد و رفته‌رفته پاتوق صنوف تا اهل طب، مکان کاریابی و کارگران و مرکزی برای معرفی صاحبان حرفه و صنعت شد. هر قهوه‌خانه پاتوق یک یا چند گروه از اهل پیشه و هنر بود. قهوه‌خانه، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و هنری و حتی سیاسی و خبررسانی مهمی در جامعه ایفا می‌کرد. اما دگرگونی‌های تدریجی در جامعه ایران به‌ویژه جامعه شهری و پدیداری وسایل ارتباط جمعی و در کم‌رنگ کردن نقش نهاد قهوه‌خانه اثر بسیار مهمی داشتند و قهوه‌خانه دیگر نهادی فعال نبود و جوانان دنبال جایگاه مناسب دیگری برای تجمع و پاتوق برای گذراندن اوقات فراغت بودند. این چنین بود که کافه از دهه‌های اول قرن چهاردهم ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ به تقلید از غرب در ایران و ابتدا تهران و شهرهای بزرگ پدید آمد و بعد در شهرهای دیگر هم عمومیت یافت. با این تفاوت که قهوه‌خانه پذیرای همه اقشار و طبقات مردم به‌جز جنسیت زن بود، در صورتی که در پدیده تازه کافه هر دو جنس حضور داشتند؛ ولیکن جای همه اقشار و اصناف به‌خصوص صنف کارگر و کاسب کار نبود. فضای کافه از جنس دیگری بود که نمی‌توانست قهوه‌خانه‌نشین‌ها و قشر سالمند و میانسال را جذب کند. بنابراین کافه در ایران، پاتوق طبقات و گروه‌های خاص از زن و مرد، نویسنده، شاعر، هنرمند، قلم‌زن و روشنفکر شد. امروزه ذوق و سلیقه، سرگرمی‌ها و تفریحات گروه‌های اجتماعی به‌ویژه جوانان تحول یافته است. قهوه‌خانه به سبک و سیاق گذشته دیگر پاسخ‌گوی نیاز و خواست گروه اجتماعی امروز نیست. کافه‌هایی با هدف تجمع اندیشمندان و ادبا نیز امروزه جایگاهی ندارند. اکنون نه قهوه‌خانه‌های سابق و نه محفل‌های کافه‌نشینانی روشنفکران را داریم (بلوکباشی، ۱۳۹۵). در حال حاضر، کافه به‌خصوص نوع خیابانی آن برای قشرهایی از مردم و جوانان صرفاً با هدف دورهمی و گذران اوقات فراغت و نیاز خوردن و آشامیدن مد شده است؛ در حالی که پیشینه تاریخی قهوه‌خانه‌ها و منع ورود زنان و حیای زنانه همچنان در پس فرهنگ ایرانی وجود دارد. اگرچه با تکرار چنین الگوهایی، کم‌کم این فرهنگ در شهرهای ایران نیز رواج می‌یابد و می‌تواند گونه‌ای از سرزندگی شهری را ایجاد نماید، اما به همین نسبت احتمال دارد مانند اثرات کافه‌ها بر کم‌رنگ شدن قهوه‌خانه‌ها با وجود ارزش‌های تاریخی فرهنگی اجتماعی بسیار، برخی ارزش‌های بومی

سرزندگی تاریخی ایرانی شود. لذا در این تحقیق، زیرمعیارهای جهانی سرزندگی با گذشته تاریخی سرزندگی مقایسه و راستی‌آزمایی و بومی‌سازی می‌شوند.

- به‌طور کل، این تحقیق به دنبال پاسخ این سه پرسش است:
۱. شباهت و تفاوت مفهوم سرزندگی تاریخی در شهر اصفهان با مفهوم سرزندگی شهری چیست؟
 ۲. شباهت و تفاوت مفهوم سرزندگی بومی در شهر اصفهان با مفهوم سرزندگی شهری چیست؟
 ۳. مردم بومی شهر اصفهان چه فضایی را در این شهر سرزنده می‌پندارند؟

پیشینه پژوهش

پس از نگارش کتاب "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" توسط جیکوبز در دهه ۷۰ میلادی، سرزندگی به یکی از نقاط عطف روان‌شناسی محیطی تبدیل شد و تا سال ۲۰۰۳ حدود ۳۳۰ پژوهش در این باب انجام شد (هدایت‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸). صاحب‌نظران در خصوص مقوله سرزندگی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند (Gehl, 2000؛ Montgomery, 1996؛ Chapman, 1996؛ جیکوبز، ۱۳۸۸؛ کریز، ۱۳۸۳؛ کالن، ۱۳۸۷؛ پامیر، ۱۳۹۴؛ لینچ، ۱۳۸۱). محققان داخلی مانند گلکار (۱۳۸۶) نیز به این مقوله پرداختند. برخی، سرزندگی را در قالب مقوله پایداری شهری مورد بررسی قرار داده‌اند (Colantonio, 2007). عده‌ای، معادل‌های محیط‌های پاسخ‌ده یا محیط زنده یا فعال را برای آن برشمرده‌اند (Chapman, 1996: 149, 151 & 155؛ بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲). در برخی تحقیقات، واژه سرزندگی، معادل مفهوم زیست‌پذیری بررسی شده است (ماجدی و بندرآباد، ۱۳۹۳). برخی برای سرزندگی، زیرمعیارهایی معرفی نموده‌اند (Işıklar, 2017؛ Abdul Aziz et al, 2017؛ Jin et al, 2013؛ De Koe, 2012؛ هدایت‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸). مقاله طیبه فارسی و همکاران (۱۳۹۸)، روش‌های سنجش سرزندگی را بررسی نموده است. مقاله لو و همکاران (2019)، در خصوص اثرات عناصر محیطی بر سرزندگی شهری چین است. در هیچ‌یک از تحقیقات مشاهده نشد مصادیق تاریخی بومی سرزندگی شهری جستجو شده باشند. این تحقیق برای اولین بار مفهوم سرزندگی شهری را در گذشته تاریخی شهرها واکاوی نموده و برای آن در جستجوی معادل‌های بومی است.

روش پژوهش

در این پژوهش، از دو روش بهره گرفته شده است. برای درک مفهوم تاریخی سرزندگی، از روش تحلیلی تاریخی

استفاده شد؛ چرا که بر موضوعی که در گذشته اتفاق افتاده، تمرکز دارد و دلالت‌کننده‌های غیرقابل‌مشاهده و دانشی از گذشته مبتنی بر مدارک و شواهد را استخراج می‌نماید. برای تحلیل تاریخی، شهر اصفهان به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شد. در این راستا، مصادیق سرزندگی بومی در گذشته تاریخی اصفهان با مطالعه داده‌های کتابخانه‌ای، متونی که به تاریخ اجتماعی، معماری و شهرسازی شهر اصفهان می‌پردازند و تصاویر اصفهان قدیم شامل فضاهای عمومی و فعالیت‌های سرزنده اصفهان تاریخی، بررسی شده و متون و تصاویر تاریخی با شاخص‌های سرزندگی جهانی مقایسه شدند. برای درک سرزندگی از دیدگاه مردم بومی شهر اصفهان، از روش تحقیق دوم یعنی روش پیمایشی و تا حدی روش قوم‌نگاری استفاده شد؛ این روش برای توصیف صفات جامعه، تبیین و کشف یک واقعیت در خصوص آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش طی نظرسنجی از مردم بومی اصفهان در خصوص تعریف سرزندگی پرسش شد. ابزار این روش، پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخت و مصاحبه و مشاهده است. تعداد پرسش‌شوندگان معادل فرمول کوکران، ۳۲۰ نفر بوده که این تعداد از مردم بومی شهر اصفهان به صورت خوشه‌ای با تنوع جنسیت، گروه سنی، تحصیلات، محل زندگی و موقعیت اجتماعی-اقتصادی انتخاب شده‌اند.

کیفیت سرزندگی شهری

برای مفهوم سرزندگی شهری، برابری Vitality، liveliness، divability، Viability وجود دارند که به‌جز "vitality"، لغات دیگر بیشتر به مفهوم زیست‌پذیری هستند (Cowan, 2005). سرزندگی، قابلیت مکان برای تنوع فعالیت و تجربه و تعامل اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که امنیت، برابری و راحتی همه فراهم شود (Lu et al, 2019). سرزندگی به همراه معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، به‌عنوان محورهای هفت‌گانه عملکردی شکل خوب شهر و کیفیت شهر است. در واقع سرزندگی، درجه‌ای از فرم فضا است؛ یعنی تا چه اندازه شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی و نیاز بیولوژیکی بوده و مهم‌تر، چگونه بقای همه موجودات را ممکن می‌سازد (لینچ، ۱۳۷۴؛ ۱۵۴). سرزندگی به معنای تنوع و اختلاط کاربری، ازدحام جمعیت و حضور پر جنب‌وجوش ۲۴ ساعته مردم در تمام هفته (جیکوبز، ۱۳۸۸؛ ۱۷؛ پامیر، ۱۳۹۴؛ Chapman, 1996)، محل تعاملات اجتماعی و تفریح، گردش و خرید، جذابیت محیطی (کریز، ۱۳۸۳؛ ۱۹؛ Chapman, 1996)، درک استفاده‌کنندگان از زندگی خیابانی فعال بوده و به‌طور کل، تا چه حد یک مکان

چارچوب نظری کیفیت سرزندگی شهری

محققان، سرزندگی را به صورت‌های متفاوتی دسته‌بندی نموده‌اند. این معیارها در این تحقیق در دو بعد عینی و ذهنی دسته‌بندی شده که با ابعاد پژوهش گلکار تطابق دارند. معیار دسته‌بندی بر اساس ذهنی و عینی این بوده که آنچه کالبدی و فیزیکی است، در قالب دسته عینی گنجانیده و آنچه در ادراک و ذهن مخاطب سرزندگی شکل می‌پذیرد، در دسته ذهنی

احساس شادی دارد. اهمیت سرزندگی در حوزه شهری، کاهش جرم و جنایات است (Montgomery, 1998).

شاخص‌ها و زیرمعیارهای سرزندگی شهری

جدول ۱، خلاصه شاخص‌های سرزندگی شهری را از دو دیدگاه محققان و نظریه‌پردازان سرزندگی نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های سرزندگی شهری

مأخذ	شاخص‌های سنجش سرزندگی شهری از نگاه نظریه‌پردازان
(کریر، ۱۳۸۳: ۱۹)	ورودی در خیابان، کاربری شبانه‌روزی، گردش، خرید، کار و ارتباط اجتماعی، حرکت پیاده، مسیرهای کوتاه
(جیکوبز، ۱۳۸۸: ۱۷)	تنوع و اختلاط کاربری، تراکم جمعیت، آمیزه ساختمان نو و قدیمی، پیچیدگی، جلوگیری از رکود و متروک شدن، بلوک کوتاه، تکیه بر خیابان، پیاده‌رو، پارک، همسایگی
(پامیر، ۱۳۹۴)	قلمرو همگانی با کیفیت، بازار متنوع، دسترسی مناسب، تراکم کاربری، تعدد و زمان مراجعه، ساختارهای سازمان‌دهنده
(لینچ، ۱۳۸۱: ۱۵۴)	شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی و نیازهای بیولوژیکی و امکان بقای همه موجودات
(Chapman, 1996: 149-154)	تنوع فعالیت ۲۴ ساعته تمام ایام هفته، تنوع کالبدی، کیفیت منظر، کاربری مختلط، فعالیت‌های اقتصادی-فرهنگی-آموزشی-اجتماعی، تاریخی-سکونت (عملکرد حیاتی سرزندگی)، محل اجتماع، سرگرمی، گردشگری، ملاقات، تحرک، مراکز عابر پیاده و خرید، رستوران با جذب بالا، حفظ کیفیت موجود، پنهان نمودن پارکینگ، جذابیت محیطی، تکیه‌گاه و تنوع تاریخی، نقش مدرسه و کتابخانه به‌عنوان کانون جامعه، کنترل رقابت با مجموعه‌های خرید جدید، عدم ساخت سوپرمارکت‌ها و مراکز خرید خارج شهر، رقابت مراکز سینمایی و تئاتر، توجه ویژه به گردشگری در شهرهای تاریخی، مغازه‌های ویژه
(بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)	شخصی‌سازی و رنگ تعلق، غنای حسی، سازگاری بصری، انعطاف‌پذیری و همه‌فن‌حریفی، خوانایی، گوناگونی، نفوذپذیری، کارایی از نظر مصرف انرژی، پاکیزگی محیط، نگهداری اکوسیستم
(Montgomery, 1998)	تعداد عابرین در زمان‌های مختلف شبانه‌روز، امکانات، شمار اتفاقات، زندگی خیابانی فعال، احساس سرور و شادی
(کالن، ۱۳۸۷: ۸)	هم‌نشینی مناظر دل‌انگیز
(Lu et al, 2019)	تجارب لذت‌بخش، کاربری مختلط، تراکم عابران و فعالیت و سکونت، دسترسی، توسعه اقتصادی، کیفیت فضای شهری
(Işıklar, 2017)	حس مکان و تعلق، ارضای نیاز بصری، فعالیت لذت‌بخش، راحتی، روابط اجتماعی، امنیت، قلمرو، دسترسی
(گلکار، ۱۳۸۶)	عینی، ذهنی (ویژگی روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تجارب ناظر)، احتمال‌گرایی (ترکیب کالبد و ویژگی ناظر)
(خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹)	جذابیت و رضایت، منطقه‌بندی کاربری، اقلیمی، فرهنگی (مراسم و سنت‌ها)، اقتصادی (خرید و فروش، اشتغال، درآمد)، اجتماعی (امنیت، طبقات، سطح تعاملات اجتماعی و میزان و ماهیت ارتباطات)، کالبدی (کاربری، زیبایی، ایمنی، سلامت، عناصر شاخص، زمان فعالیت، نوع فعالیت اجباری یا اختیاری، روزمره یا موقت، بعد جمعی و فردی فعالیت)، مراکز خرید، مغازه غذایی، سازمان‌ها، ابنیه خاص، گیاه و آب‌نما، برگزاری مراسم خیابانی، بهسازی خیابان، فضای نشست، فضای کافی و ایمنی و امنیت اجتماعی عابر پیاده، اصلاح تابلو و نماها، پارک دوچرخه و موتور، نورپردازی و تنوع رنگ، دست‌فروش، آب و هوا، فرهنگ و روحیه مردم، فعالیت فردی و اجتماعی، دسترسی
(Department of the Environment, 1994; Chapman, 1996; DOE, 1992: 151-152)	جریان عابر پیاده، معیار بازده (نسبت درآمد اجاره‌بها به ارزش سرمایه)، سه کیفیت جاذبه (هنر، فرهنگ، سرگرمی، مسکونی، خردفروشی، خدمات)، دسترسی (حمل و نقل عمومی، پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، افراد نیاز خاص، اتومبیل شخصی)، آسایش (امنیت قلمرو عمومی، منظر شهری، فضای خصوصی و خصوصی‌سازی، هویت)، سهولت حرکت (زمان و هزینه رسیدن به مرکز از محل زندگی) (تعادل نحوه سفر، مدیریت ترافیک، پارکینگ و نیاز استفاده‌کنندگان اتومبیل)، دسترسی محلی (یکپارچگی امکانات حمل و نقل و رابطه با جاذبه‌ها)

(نگارندگان)

و حس طبیعت از وجود درختان، گیاهان، آب و سبزینه در محیط منتج می‌شود، اما مثلاً متغیر تصویر ذهنی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. در جدول ۲، شاخص‌های سرزندگی شهری مبتنی بر جمع نظر نظریه‌پردازان و محققان آمده و

گنجد است. به‌عنوان مثال، کیفیت و آسایش محیطی همان‌گونه که از نام آن پیدا است، با عوامل کالبدی محیط که سبب آسایش می‌شوند مانند؛ سایه، آفتاب، دمای محیط، وجود مکان استراحت و ... در ارتباط است، با مثلاً منظر طبیعی

جدول ۲. چارچوب نظری سرزندگی شهری منتج از ادبیات نظری سرزندگی مبتنی بر جمع نظر نظریه‌پردازان و محققان سرزندگی

سرزندگی	نظریه‌پردازان							محققان
	پیکوز	پنج	پرا	پل	پس	پنلی	کار	
۱ کیفیت و آسایش محیطی	*		*		*		*	گلکار، خستو، Işiklar, Lu, URBED
۲ جذابیت و سازگاری بصری		*	*	*		*	*	خستو، Işiklar, URBED
۳ منظر طبیعی و حس طبیعت								خستو
۴ تنوع و اختلاط کاربری	*	*	*	*	*	*	*	کریر، خستو، Lu, URBED, DOE
۵ سهولت دسترسی و فاصله به تسهیلات	*	*			*		*	URBED, Işiklar, Lu, DOE
۶ تراکم کاربران و حرکت پیاده	*		*	*	*	*	*	خستو، Işiklar, URBED
۷ ساختارهای سازمان‌دهنده	*				*			لئون کریر
۸ امنیت کالبدی و ایمنی						*		خستو، Işiklar
۹ بازار متنوع و رونق اقتصادی	*			*	*			خستو، URBED
۱۰ ارتباطات و تعاملات اجتماعی	*			*			*	شولتز، گلکار، خستو، Işiklar
۱۱ غنای حسی						*		
۱۲ نفوذپذیری و ریزدانی	*				*	*	*	Lu, Işiklar
۱۳ انعطاف‌پذیری و همه‌فن‌حریفی					*	*		
۱۴ تراکم بالای ساکنان محدوده	*							Işiklar, Lu
۱۵ پایداری، کارایی مصرف انرژی						*		
۱۶ پاکیزگی محیط و بهداشت						*		
۱۷ خودیاری و ادای دین به شهر	*							
۱۸ تعادل کوچ از محله و ترک و رکود یافت	*							خستو
سرزندگی ذهنی			*	*			*	گلکار
			*				*	شولتز، گلکار
						*	*	شولتز، گلکار، Işiklar, URBED

ادامه جدول ۲. چارچوب نظری سرزندگی شهری منتج از ادبیات نظری سرزندگی مبتنی بر جمع نظر نظریه پردازان و محققان سرزندگی

سازمان	نظریه پردازان	محققان	نظریه پردازان							
			کاز	بنی	ساز	فر	باز	تج	چگون	
۴	حس غرور اجتماعی	گلکار خستو، URBED خستو، URBED شولتز شولتز، URBED، Işiklar خستو URBED	*							
۵	تصویر ذهنی مطلوب		*							
۶	سامانه هویتی منحصربه فرد									
۷	خوانایی		*	*						
۸	امنیت اجتماعی		*							
۹	قلمرومداری		*	*						
۱۰	حس مکان و موقعیت		*							
۱۱	همگنی اجتماعی									
۱۲	حس پویایی اجتماعی		*	*						

(نگارندگان)

آن چه بوده است؟ لازم به ذکر است این تحقیق قصد آن را ندارد که با مشاهده یک معیار سرزندگی در یک نقطه از شهر تاریخی اصفهان، سرزندگی را به تمام شهر تعمیم دهد.

معیار منظر طبیعی و حس طبیعت

پیشینه دیرین زاینده رود و مادی‌های اصفهان و معاری با نام عناصر طبیعی مانند چهارباغ و طبیعت چهار فصل این شهر، مصادیقی از منظر طبیعی و تداعی کننده سرزندگی برای مردم شهر اصفهان بوده که در متون نیز مشاهده می‌شوند و این اماکن، کاربری تفریحی و سرزنده‌ای داشته‌اند: «ساکنین واحه اصفهان به جهت بهره‌مندی از آب زاینده رود، مادی‌هایی ایجاد کردند تا آب رودخانه را به مزارع، باغ‌ها و خانه‌های خود هدایت کنند، مانند مادی فدن که در معابر عباس آباد، دروازه لنبان، دروازه نو، دردشت و بیدآباد عبور می‌کند» (بلیک، ۱۳۸۸: ۵۰). درختان چنار کهنسال چهارباغ نیز با خاطرات شهری مردم اصفهان عجین هستند، در منابع در مورد آن این گونه نگاشته‌اند: «چهارباغ مکانی بود که برای گردشگاه استفاده می‌شد نه خیابان، این گردشگاه در حاشیه شهر ساخته شده و بیشتر ویژه تفریح خانواده‌های سلطنتی و درباریان بوده است» (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۲۶۱). «در این گردشگاه، زنان حرم و دیگر زنان شهر هم به گردش می‌پرداختند و یک روز ویژه برای آنان در نظر گرفته شده بود که حتی فروشندگان زن بودند» (فلسفی، ۱۳۳۲: ۲۳۱). دلاواله نیز درباره اختصاص

به‌عنوان ۳۰ معیار سرزندگی شهری منتج از ادبیات جهانی سرزندگی شناخته شده که در ادامه با معیارهای سرزندگی تاریخی و سرزندگی بومی شهر اصفهان مقایسه می‌شوند.

بررسی مفهوم سرزندگی تاریخی در شهر اصفهان به روش تحلیلی تاریخی

سرزندگی، کیفیتی است که باید در رابطه با مکان و فضای واجد مقیاس سنجیده شود. در سنجش کیفیت سرزندگی در پیشینه تاریخی، شهر اصفهان به‌عنوان یک نمونه موردی انتخاب شد؛ اما نکته حائز اهمیت این است که این کنکاش به دنبال این است که در خصوص وجود یا عدم وجود متغیرهای سرزندگی شهری در پیشینه تاریخی و یافتن مصادیق سرزندگی در پیشینه تاریخی در صورت وجود جستار کند تا از این ظرفیت در هنگام بازآفرینی سرزندگی شهری در شهرهای تاریخی بتوان سود برد و در واقع، گونه‌ای تعریف بومی‌سازی شده از مصادیق سرزندگی شهری در دست باشد. لذا در ادامه، متون و تصاویر اصفهان تاریخی با معیارهای سرزندگی تحقیق قیاس شده تا مشخص شود کدام زیرمعیارهای کیفیت سرزندگی شهری در پیشینه تاریخی شهر اصفهان نیز مصداق داشته و با آداب، سنن، فرهنگ و ویژگی‌های شهری اصفهان پوشش داده می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید، با یافتن هر مصداق در هر نقطه از شهر اصفهان به‌عنوان نمونه موردی صرفاً نتیجه‌گیری می‌شود که آن متغیر در پیشینه تاریخی وجود داشته و مصداق



چهارباغ در برخی روزها به زنان نوشته است (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۲۶۱). جدول ۳، منظر طبیعی در پیشینه تاریخی اصفهان را نشان می‌دهد.

معیار تعاملات و همبستگی اجتماعی

یک مصداق بومی سرزندگی شهری در اصفهان تاریخی، تعاملات اجتماعی قوی در محلات و بازارهای آن است. محله در ایران صفوی، حکم واحد اجتماعی پیونددهنده خانه‌ها و شهر بوده است (بلیک، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۵۱). مصداق دیگر، تعاملات اجتماعی در مساجد بوده که موجب شده این فضا، فضای سرزنده شهری و مرکز جامعه و بستر روابط اجتماعی محسوب شود. مسجد شاه، مکانی برای تجمع مردم در روزهای تعطیل و برپایی نماز جمعه بوده، مساجد جامع کوچک‌تر مراکز محله، عملکردی مشابه داشتند (همان: ۱۶۴). به‌علاوه در پیشینه تاریخی شهرهای ایران حتی تا یکی دو دهه پیش، خیل عظیمی از فعالیت‌های نهادهای شهری توسط خود شهروندان و به صورت داوطلبانه انجام می‌گرفت؛ یعنی شهروندان به‌نوعی خود را صاحب و مالک شهرها می‌دانستند و منتظر شهرداری نمی‌ماندند تا کوچه و گذر را جارو یا برف‌روبی کند، یا درختی

بکارد. هر کس محل زندگی، جلوی درب ورودی خانه و مغازه و محل کسب‌وکار خود را به بهترین نحو ممکن تمیز می‌کرد (شهریارنیوز، ۱۳۹۸). لذا می‌توان مراکز محلات، مساجد و بازار را مکان‌هایی سرزنده در پیشینه تاریخی اصفهان قلمداد نمود و تعاملات اجتماعی از جنس روابط همسایگی، روابط مذهبی درون مسجد و روابط بازاریان را مصادیق مناسبی برای تعاملات اجتماعی بومی در شهر تاریخی اصفهان دانست. از طرفی، می‌توان همیاری مردمان در پارو کردن برف، جارو کردن جلوی دکان و آب‌پاشی بازار را از مصادیق همبستگی اجتماعی در پیشینه تاریخی سرزندگی به حساب آورد. جدول ۴، این معیار را در اصفهان تاریخی نشان می‌دهد.

معیار همگنی اجتماعی

همگنی اجتماعی بدین معنی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و امثال آن، افراد از دیدگاه، انتظارات و سلیق یکسان برخوردار هستند. همگنی اجتماعی سبب افزایش روابط واحدهای همسایگی می‌شود. لذا جداسازی محلات بر اساس قومیت و مذهب مانند؛ محله جوباره مختص یهودیان، محله جلفا مختص آرامنه و کوله

جدول ۳. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیار منظر طبیعی و حس طبیعت

	
سی و سه پل و زاینده‌رود (دلواله، ۱۶۱۷)	چهارباغ عباسی (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۲۶۰)

(نگارندگان)

جدول ۴. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیار تعاملات اجتماعی

		
برف‌روبی در جلفا (هولتسر، ۱۳۸۹: ۳۴۰)	تاجران (مظاهری، ۱۳۹۰: ۳۸۰)	مسجد امام (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۳۰۱)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: همبستگی اجتماعی و همکاری مردم محله	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تعاملات اجتماعی در بازار	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تعاملات، سامانه فرهنگی

(نگارندگان)

تاریخی ذکر می‌شود سوق‌ها و بازارها، اماکن تجاری و صنعتی بودند که گاهی مراسم جشن و سرور را برنامهریزی می‌نمودند. به هنگام ورود شاه‌عباس به اصفهان در سال ۱۵۹۲-۱۵۹۳ صنعتگران و کارگران، کوی‌ها، گذرها و سرگذرها را با تمامی بازار و محلات بیاراستند (بلیک، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۵۱). زمانی که شاه‌عباس دوم نیز به تخت سلطنت نشست، به افتخار جلوس او به سلطنت، جشنی بزرگ برپا کردند که از هزار جریب تا شهر، فرش‌های ابریشمی گسترده بودند و مردم از نشاط و شادی در این جشن سر از پا نمی‌شناختند (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۲۳۲). سلسله مراتب قدرت نیز بر پایه یک نظام سنتی قوی استوار بود. در متونی که به تاریخ اجتماعی این شهر اشاره دارند در این خصوص چنین نوشته‌اند: «امرای بزرگ و بازرگانان متمول در طول انجام مراسم مذهبی نقش مهمی ایفا کرده و حلقه اتصال میان دربار سلطنتی و محلات مسکونی بودند. ساکنان هر محله با تهیه سند پشتیبانی مهر و موم شده توسط یک مقام شهری و تقدیم آن به کلانتر، کدخدای خود را انتخاب می‌کردند. کلانتر، کدخدا را تأیید کرده و به او خلعت می‌بخشید. کدخدا داور مطالبات مالی و مشکلات مردم و حلقه واسط دربار سلطنتی و ساکنان محله بود» (Chardin, 1811, V 6: 77).

در گذشته اصفهان، فضاهای شهری نیز بر اساس رویدادمداری و سامانه فرهنگی هویتی شکل می‌گرفتند؛ شاه‌عباس اول، میدان نقش جهان را با ۵۱۰ متر طول و ۱۶۴ متر عرض بنا نهاد تا هم بازار باشد هم برای اجتماعات مذهبی و برگزاری مراسم عموم، و پادشاه بتواند از قصر عالی قاپو نبرد شیر و گاو، جنگ کوچ‌های وحشی و نیزه بازی و چوگان‌بازی را تماشا کند (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۲۴۸). نویسندگان در این خصوص می‌نویسند: «میدان جدید، صحنه نمایش‌های حکومتی بود: چوگان، اسب‌دوانی، قپق، جشن سال نو، اعیاد مذهبی، مراسم بار عام سفرا و تاج‌گذاری شاهان» (بلیک، ۱۳۸۸: ۱۲۵). در واقع، نه تنها این میدان مکان نمایش فرهنگ و هویت اصفهان بوده، بلکه عرصه‌ای برای ابراز غرور و پویایی اجتماعی نیز به حساب می‌آمد. میدان کهنه نیز برای عوام، محل برپایی اعیاد، سال نو و جشن تاج‌گذاری بوده، میدان نقش جهان یا میدان نو نیز مرکز فعالیت اقتصادی اجتماعی دربار شد (Chardin, 1811, V 9: 567-570). از طرفی، تغییر فضاهای عمومی و آماده‌سازی برای جشن، عزاداری، مناسبات اقتصادی و بساط بازاریان که بیش از همه در میدان نقش جهان دیده می‌شد، نشان انعطاف‌پذیری فضای شهری است. جدول ۵، مصادیق این معیار را نشان می‌دهد.

پارچه مختص زردشتیان، بر اساس تعریف و مشاهدات عینی نگارندگان بر همگنی اجتماعی شهر اصفهان اشاره دارد. حتی در روابط خویشاوندی و انتخاب محل زندگی و یا شرکت در مراسم مذهبی یا انتخاب مکان‌های عمومی مانند مسجد یا محل عبادت نیز این همگنی اجتماعی مشاهده می‌شود. در متون تاریخی نیز به این امر به این شکل اشاره شده است: «یکدستی اجتماعی در محلات مسکونی بر روابط مذهبی، پیش‌زمینه‌های قومی، شغل، شهر و یا روابط مرید-مرشدی استوار بوده است. از این‌رو، محلات این شهر شامل محله‌های یهودی، ارمنی و دیگر فرق مسیحی و اعراب و افرادی از روستاهای مجاور و تبریزبان بود. در بیشتر محله‌ها بسته به مرشدی مشترک، یک وابستگی اجتماعی نیز به وجود می‌آمد» (بلیک، ۱۳۸۸: ۲۵ و ۱۲۶). در راستای همگنی اجتماعی حتی جداسازی محل زندگی ثروتمندان و فقرا نیز در قدیم وجود داشته است. بلیک به این امر این‌گونه اشاره می‌کند: «تجار ثروتمند خانه‌های خود را نزدیک مرکز محله می‌ساختند و حکم حامی اهالی محل را بر عهده داشتند» (همان: ۵۰ و ۵۱). جداسازی بستر رویدادهای حکومتی در میدان نقش جهان و مراسم عوام در میدان کهنه نیز اشاره‌ای به همگنی اجتماعی داشت که در این متن به خوبی توصیف شده: «میدان هارون ولایت (میدان کهنه) در پایان سده هفدهم، به مکانی برای فعالیت اقتصادی و اجتماعی مردم عادی و بازارهای غلات، میوه، سبزی، گوشت و دیگر کالاهای روزانه تبدیل شده بود. با جایگزینی قیصریه جدید به جای قیصریه قدیم، این بازار به فروش لباس‌های گران‌بها، جواهرات، طلا و نقره اختصاص یافت» (Chardin, 1811, V 10: 2-6). این همگنی اجتماعی در حال حاضر نیز در این شهر وجود داشته به شکلی که دهقانی (۱۳۹۸) در تحقیق خود بر اساس همگنی اجتماعی- فرهنگی، شش تیپ مختلف مناطق شهری برای شهر اصفهان قائل است و بخش تاریخی مرکزی شهر اصفهان شامل مناطق ۱ و ۳ که بیشتر شاهد سکونت بومیان اصفهانی است را به‌عنوان یک تیپ همگنی اجتماعی برمی‌شمرد.

معیار سامانه فرهنگی هویتی و رویدادمداری، فعالیت بیرونی، انعطاف‌پذیری، غرور و پویایی اجتماعی

در مطالعه پیشینه شهر اصفهان به‌وفور رویدادمداری، نمایش آداب و رسوم و فرهنگ و سنن مردم این شهر در معابر و محافل عمومی به چشم می‌خورد که در مجموع، سبب ایجاد هویتی منحصربه‌فرد و فرهنگی در محلات این شهر می‌شود. مثلاً به‌عنوان نمودی از همبستگی در برپایی رویدادها در متون

تنوع و اختلاط کاربری، تراکم عابران و فعالیت ۲۴ ساعته، پویایی اجتماعی

فعالیت ۲۴ ساعته و تراکم جمعیت و جنب و جوش میدان نقش جهان اشاره دارد: «اهالی بازار در دکان‌های زیبای دواشکوبه خود گرد میدان نقش جهان کار نمی‌کردند. آنها در طول روز زیراندازهای خود را در میان میدان می‌گستراندند و مبلغی بابت آن می‌پرداختند، سایبان‌ها را می‌افراشتند و کالای خود را بر شن‌های میان میدان به معرض فروش می‌گذاشتند. غروب آنها کالای خود را جمع می‌کردند. هنگامه شب نوبت به جادوگران، خیمه‌شب‌بازان، تردستان، نقالان، موعظه‌گران می‌رسید تا محوطه را به قبضه خود در آورند. شاه‌عباس پس

در شهر تاریخی به‌خوبی کاربری‌ها توزیع می‌شد، در مرکز محله، امرای بزرگ و بازرگانان متمول، مساجد، قهوه‌خانه، گرمابه، آب‌انبار و دکان‌ها را می‌ساختند (بلیک، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۵۱). توزیع کاربری مناسب، سبب تأمین نیاز اساسی در کمترین فاصله می‌شد. به‌علاوه، کاربری‌ها در اصفهان تاریخی مختلط و متنوع بوده که در پی خود تراکم عابران را به همراه داشته است؛ شاردن در سفرنامه خود به اختلاط کاربری،

جدول ۵. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیارهای سامانه فرهنگی، فعالیت بیرونی، انعطاف‌پذیری، غرور و پویایی اجتماعی

		
درویش‌ها (مظاهری، ۱۳۹۰: ۳۸۳)	تعزیه‌گردانی (هولتسر، ۱۳۸۹: ۱۴۰)	مسجد شیخ لطف‌الله (ابریشمی، ۱۳۹۳: ۸۸)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: سامانه فرهنگی هویتی، غنای حسی (آواز دراویش)	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: سامانه فرهنگی هویتی	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: سامانه فرهنگی هویتی، تراکم عابران
		
ظل‌السلطان در مراسم خلعت‌پوشان (همان: ۲۶۹)	تغییر فضاها برای جشن‌ها و مراسم مذهبی (همان: ۲۷۷)	سربازان ظل‌السلطان در حال برداشتن خیمه (هولتسر، ۱۳۸۹: ۲۷۲)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تعاملات، همبستگی بازاریان و مردم برای برپایی رویدادها به صورت خودجوش یا اراده حاکمیت	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: انعطاف‌پذیری، سامانه فرهنگی، تعاملات، همبستگی بازاریان و مردم برای برپایی رویدادها به صورت خودجوش یا اراده حاکمیت	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: سامانه فرهنگی هویتی، رویدادمداری، تراکم عابران
		
سفره قلمکار (همان: ۲۱۲)	روضه در اصفهان (همان: ۳۵۴)	تعزیه‌خوانی (همان: ۲۷۷)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: سامانه فرهنگی، فعالیت‌های بیرونی، تولید و اشتغال و رونق اقتصادی	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: سامانه فرهنگی هویتی و رویدادمداری	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: سامانه فرهنگی هویتی و رویدادمداری

(نگارندگان)

خاطرات جمعی زنده می‌کند. شاردن، اشاراتی به غنای حسی میدان نقش جهان می‌کند: «دکه‌های اغذیه‌فروشی همه جا به چشم می‌خورد. مقابل هر دکه، دو سه پاتیل بزرگ در حال جوشیدن بود و فروشندگان، غذاهای شبانه خود را در این دکه‌ها می‌فروختند» (Ibid). جدول ۷ این فاکتور را نشان می‌دهد.

بازار متنوع و رونق اقتصادی، بازارهای خیابانی، تولید و اشتغال

میدان نقش جهان و بازار اصفهان، نمونه بازار متنوع و پررونق بوده و تنوع فراوان مشاغل را در خود جای می‌داده است. تعدد بازارهای خیابانی، فعالیت‌های تولیدی بازار و فعالیت‌های بیرونی بر رونق آن می‌افزوده، شاردن در سفرنامه خود می‌نویسد: «در بخشی از میدان نقش جهان دست‌فروشان، لباس‌های دست دوم به فقرا می‌فروختند» (Ibid). «دیگر پیشه‌وران دوره‌گردی می‌کردند. استادکار با شاگردش، تمامی دکان خویش را که انباری از زغال

از احداث میدان برای هر حرفه، محلی را در میدان مشخص کرد» (Chardin, 1811, V 7: 339-340, 343, 360). وی می‌نویسد: «معامله‌گران خرده‌پا، به هنگام روز، مقابل مسجد شاه به خرید و فروش اسب، الاغ، شتر و قاطر مشغول بودند. بعدازظهر، هنگام عرضه در و پنجره و کلیدسازان و درودگران می‌رسید. بازار ماکیان، خشکبارفروشان و فروشندگان پارچه همان نزدیکی بود. پس از دکه کلاه و پالان‌فروشان، زین و یراق‌فروشان، فروشندگان پوست و چرم، محل ابزارفروشان و ریسمان‌ریسان قرار داشت. صرافان، صندوق آهنی و چرتکه خود را روبه‌روی درگاه قیصریه می‌گستراندند. دارو، میوه و سبزی‌فروشان، قصابان و فروشندگان غذا نیز همان نزدیکی بودند» (Ibid, V 4: 57-58). جدول ۶ این معیارها را به نمایش گذاشته است.

غنای حسی

یادآوری گذشته اصفهان و بازار تاریخی آن، بوی عطاری‌ها، گرمای لب‌فروشان و همهمه بازار و صدای مسگرها را در

جدول ۶. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیارهای تنوع و اختلاط کاربری، تراکم عابران و فعالیت ۲۴ ساعته، پویایی اجتماعی

		
نजारان ارمنی در محله آرامنه جلفا (همان: ۲۲۶)	مدخل بازار (همان: ۱۷۲)	بازار (هولتسر، ۱۳۸۹: ۱۷۷)
اختلاط کاربری (کاربری نجاری و مسکونی)، همگنی اجتماعی		شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تراکم عابران
		
میدان نقش جهان (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۳۱۴)	میدان نقش جهان (ابریشمی، ۱۳۹۳: ۸۹ و ۹۰)	خشکبارفروشان (همان: ۱۶۸)
اختلاط کاربری - تعاملات اجتماعی	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تراکم عابر، اختلاط کاربری، بازار متنوع پررونق، حس مکان	

(نگارندگان)

خود فروشنده کالای خود بوده و رویدادنگاران هم‌عصر از دکان‌داران خرده‌پا و پیشه‌وران به‌عنوان اهل بازار نام بردند، به نظر می‌رسد سازماندهی منسجمی نبوده و میدان نو پس از ساخت، مکان تجار، پیشه‌وران و هنرمندان می‌شود که نیاز دربار شاهی را رفع می‌کردند و میدان هارون ولایت، محل فعالیت اقتصادی مردم عادی می‌شود» (بلیک، ۱۳۸۸: ۱۲۶). جدول ۸ این فاکتور را نشان می‌دهد.

آسایش محیطی

جدول ۹ نشان می‌دهد در اقلیم گرم و خشک اصفهان، مردم با سایه‌سار درختان در حیاط مرکزی و مجاور مادی‌ها

تکه‌های حلب است، بر دوش می‌کشد. هنگامی که سر می‌رسد دکانش را هر کجا شما بخواهید، در گوشه‌ای از حیاط، باغ یا مطبخ پهن می‌کند، بی‌آنکه به مکانی معین نیاز داشته باشد، آتشی نزدیک دیوار علم می‌کند و هنگام کار، گویی در وسیع‌ترین دکان دنیاست. طلا و نقره‌سازان نیز، هر جا احضارشان کنند می‌روند. استاد و شاگردش با کوره هر کجا فراخوانده شوند می‌روند و شب‌هنگام، در حالی که دکان را به دست دارند به خانه بازمی‌گردند» (Chardin, 1811, V, 91-92: 4). تولید و فروش محصولات در بازار بوده که بر رونق بازار و اشتغال می‌افزوده: «از آنجایی که اکثر پیشه‌وران

جدول ۷. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیار غنای حسی (نگارندگان)

بازار مسگری (مظاهری، ۱۳۹۰: ۳۸۶)	زورخانه (هولتسر، ۱۳۸۹: ۱۵۶)	پنبه‌زن‌ها (مظاهری، ۱۳۹۰: ۳۸۳)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: غنای حسی (صدای مسگری در تیمچه‌ها)، بازار متنوع و رونق اقتصادی	شاخص تاریخی سرزندگی: غنای حسی (بوی اسفند و صدای زنگ)	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: غنای حسی (صدای پنبه‌زنی)، رونق اقتصادی

(نگارندگان)

جدول ۸. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیار بازار متنوع و رونق اقتصادی

منبت‌کاران (همان: ۲۳۰)	آهنگران خرده‌پا (همان: ۱۶۸)	مدخل بازار و نقاره‌خانه (هولتسر، ۱۳۸۹: ۱۷۴)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تجارت فعال، فعالیت‌های بیرونی، رونق اقتصادی، بازارهای خیابانی، تولید، اشتغال		
میدان نقش جهان (ابریشمی، ۱۳۹۳: ۱۱۰)	مغازه کاروانسرای گلشن (همان: ۱۷۷)	بازار اطراف مسجد جامع (همان: ۱۰۴)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تجارت فعال و رونق اقتصادی، تراکم عابران پیاده، اختلاط کاربری، بازار متنوع		

(نگارندگان)

است، شب‌هنگام خالی از سکنه نشده و امنیت آن برقرار شود: «کاروانسرا علاوه بر بازار، دیگر مجتمع اقتصادی شهر اصفهان در دوره صفویه بوده و محل اقامت و خرید و فروش سه دسته تاجر با ملیت ایرانی، هندی و اروپایی نیز بوده است» (بلیک، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

خودیاری محلات، انعطاف‌پذیری، حداقل فاصله تا نیازهای ضروری و حفظ محیط زیست

نیاز محلات قدیمی با سلسله مراتبی تأمین می‌شد. «بازار مرکزی کالای اساسی را تهیه می‌کرد. فروشندگان خرده‌پا، میوه، سبزی، نان، زغال و گوشت را در دو میدان و بازار و مرکز محله می‌فروختند. پیشه‌وران متوسط در خانه کالا تولید کرده برای فروش به بازار می‌آوردند» (Chardin, 1811, 91-92). فروشندگان دوره‌گرد نیز هر گاه در گذری بساط پهن کرده و آنجا را به مکانی موقت برای کسب تبدیل می‌نمودند که این تغییرپذیری، نشانی از انعطاف فضاهای

و سایه و کوران باد در بازارچه‌ها حس آسایش می‌نمایند. در سفرنامه شاردن اشاره می‌شود، طول شهر اصفهان از شمال تا جنوب را طی کردم و به واسطه بازارچه‌های به هم پیوسته، آفتاب را ندیدم (شاردن، ۱۳۷۹).

خوانایی

تعدد میل، منار و گنبد و نشانه شهری در اصفهان تاریخی (جدول ۱۰) سبب خوانایی شهر شده و از سردرگمی ناآشنایان جلوگیری می‌نماید. شاردن به این موضوع اشاره نموده و از سیاهه شهر یاد می‌نماید که از دوردست با تعدد میل‌ها، منارها و گنبدهای فیروزه‌ای در لابه‌لای گنبدهای خاکی خود را معرفی می‌کند (همان).

تعدد ساکنان

اصفهان تاریخی نه تنها محلات متمرکز و فشرده‌ای داشته، تعدد کاروانسرا در اطراف بازار سبب شده مکان خوبی برای اقامت مسافران و تاجران فراهم شود و بازار که مختص روز

جدول ۹. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیار آسایش محیطی

		
پنبه‌زنی در سایه (همان: ۲۰۳)	مدرسه چهارباغ (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۳۰۲)	ورزش هوای آزاد و سایه درختان (هولتسر، ۱۳۸۹: ۱۶۱)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: آسایش محیطی		

(نگارندگان)

جدول ۱۰. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیار خوانایی

		
چهارباغ عباسی (همان: ۲۶۰)	منار مسجدعلی (همان: ۳۰۰)	کلیسای وانک (شیخ صراف، ۱۳۰۷، ۳۰۱)
شاخص تاریخی سرزندگی: خوانایی	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تعاملات اجتماعی، خوانایی	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: تعاملات اجتماعی، سازگاری بصری، خوانایی

(نگارندگان)

شهری گذشته دارد که به تأمین مایحتاج روزانه خانواده‌ها در محلات و خودیاری محلات کمک می‌نمود (جدول ۱۱).

حس مکان

حس حضور در مکان، رسیدن، ورود و خروج و پرسپکتیوهای غافلگیرکننده در شهرسازی اصفهان تاریخی در مکان‌های شهری مانند میدان نقش جهان از گذشته به چشم می‌خورد و تعدد سفرنامه و تصاویر و توصیف‌های زیبا در خصوص این مکان‌ها، به‌عنوان حس مکان در این فضاهای جمعی اصفهان تاریخی استنباط می‌شود (جدول ۱۲).

تحلیل و جمع‌بندی واکاوی قیاسی مفهوم سرزندگی شهری و سرزندگی تاریخی در شهر اصفهان

بررسی متون و تصاویر تاریخی اصفهان نشان داد تمامی زیرمعیارهای سرزندگی در گذشته تاریخی این شهر مصداق داشته، اما به‌گونه‌ای بومی تعریف می‌شوند؛ مثلاً در کشورهای دیگر، رویدادمداری معنی فستیوال و کارناوال موسیقی به خود می‌گیرد، اما در گذشته اصفهان، رویدادمداری و انعطاف‌پذیری به معنی آماده‌سازی بازار برای مراسم محرم و تعزیه‌خوانی،

نمایش روحی یا تغییرات میدان نقش جهان برای جشن سلطنتی مانند خلعت‌پوشان ظل‌السلطان یا تاج‌گذاری تعریف می‌شود. سایر مصادیق بومی و تاریخی سرزندگی به تفصیل در تصاویر و متون تاریخی اشاره شدند. به‌طور کل، از مطالعات تاریخی سرزندگی این‌گونه استنباط می‌شود که از سرزنده‌ترین فضاهای شهری اصفهان تاریخی، میدان نقش جهان و میدان کهنه بوده است. مکان‌های دیگری مانند؛ بازارها و بازارچه‌ها، مساجد، زورخانه‌ها، حمام‌ها و مراکز محلات، از دیگر فضاهای شهری سرزنده اصفهان تاریخی بودند. به نظر می‌رسد آنچه این فضاهای شهری را سرزنده می‌نموده است، ایجاد بستری منعطف و کاربردی با هدف کسب، عبادت، نظافت یا ورزش بوده که به دلیل همگنی اجتماعی کاربران آن، مکانی برای برقراری روابط اجتماعی خودجوش مردمی شده و مردم با همیاری یکدیگر این فضاها را حضورپذیر نموده بودند. ویژگی‌هایی از قبیل؛ تعاملات اجتماعی بازاریان و همسایگان، همگنی اجتماعی، حضورپذیری و همیاری، مختلط بودن کاربری‌ها، رویدادمداری مبتنی بر مذهب و عرف، منعطف بودن و شاید مهم‌ترین امر خودجوش بودن روابط مبتنی بر روابط مردم، در این فضاهای شهری سرزنده اصفهان تاریخی دیده می‌شوند.

جدول ۱۱. انطباق تصویری اصفهان تاریخی با معیارهای خودیاری محلات، انعطاف‌پذیری و حفظ محیط زیست

		
شیرینی‌پزی (همان: ۱۸۴)	فروشنده دوره‌گرد تخم‌مرغ و پشم (همان: ۱۷۰)	بازار کوزه‌گران (هولتسر، ۱۳۸۹: ۱۶۹)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: خودیاری محلات با تأمین نیاز اولیه در بازارچه	شاخص‌های تاریخی سرزندگی: خودیاری محلات با فروشندگان دوره‌گرد، انعطاف‌پذیری گذر برای تبدیل به محل کسب موقت بازار خیابانی، تجارت فعال و رونق اقتصادی، تراکم عابران	

(نگارندگان)

جدول ۱۲. انطباق تصویری در اصفهان تاریخی با معیار حس مکان

	
کاروانسرای در اصفهان (همان: ۲۹۷)	میدان نقش جهان (شیخ صراف، ۱۳۹۳: ۲۵۲)
شاخص‌های تاریخی سرزندگی: حس مکان، تراکم عابران، اختلاط کاربری، بازار متنوع و رونق اقتصادی	

(نگارندگان)

سرزندگی بومی از دیدگاه مردم بومی شهر اصفهان در حال حاضر

برای مقایسه معیارهای جهانی سرزندگی شهری با تعاریف و انتظارات مردم بومی اصفهان، از روش پیمایشی و قوم‌نگاری بهره گرفته شده که طی پرسش‌نامه‌ای با سه پرسش تشریحی از مردم بومی اصفهان پرسیده شد که تعریف آنها از سرزندگی شهری چیست؟ چه فضاهایی را در شهر اصفهان سرزنده می‌پندارند؟ و یک فضا باید چه خصوصیتی داشته باشد تا آن را سرزنده و شاداب بدانند؟ محاسبه تعداد افراد شرکت‌کننده در نمونه‌گیری، با در نظر گرفتن جامعه آماری شهر اصفهان، طبق فرمول کوکران محاسبه شد که تعداد حاصله معادل ۳۲۰ عدد بود که این تعداد بین جامعه آماری توزیع شد. تلاش شده با توجه به اهمیت سن و جنسیت افراد حاضر در هر مکان و قشر اجتماعی آنان در مبحث سرزندگی، پرسش‌نامه‌ها به صورت هدفمند و به‌طور یکنواخت و خوشه‌ای بین گروه‌های سنی و جنسی و اجتماعی مختلف توزیع شوند. این اطمینان حاصل شد که کاربران سؤالات را به‌وضوح درک نموده و مفاهیم تخصصی، ساده‌سازی و با قید مصداق، قابل تفهیم برای عموم شدند و برای اطمینان از قابل فهم بودن برای عامه، ابتدا ۳۰ عدد از پرسش‌نامه‌ها در بین ذی‌نفعان توزیع شد، نتایج اخذ شد و بازخوردها در پرسش‌نامه‌ها اصلاح شدند. پس از آن، پژوهشگر به توزیع باقی‌مانده پرسش‌نامه‌ها مبادرت ورزید. با توجه به حفظ شرط امانت در تحقیق، مطالب مأخوذ از نتایج پرسش‌نامه و فراوانی آنها عیناً در جدول ۱۳ بر مبنای معیارهای ۳۰ گانه سرزندگی دسته‌بندی شدند که ممکن است بخشی از آنها بیش از سرزندگی به مقوله کیفیت زندگی منجر شود، اما استنباط عموم از سرزندگی را نمایان می‌سازد.

تحلیل و جمع‌بندی واکاوی قیاسی مفهوم سرزندگی شهری و سرزندگی تاریخی از نگاه مردم اصفهان

جدول ۱۳ و تصویر ۱ نشان می‌دهند معیارهای برشمرده شده توسط مردم بومی اصفهان در حال حاضر، زیرمعیارهای سرزندگی شهری را با تعبیری غیر تخصصی تصدیق نمودند؛ به‌عنوان مثال، مردم به جای کاربست عبارت "همگنی اجتماعی" از عبارت "همه ساکنان بومی و اصفهانی، مذهبی و متدین و خودمانی هستند" استفاده می‌کنند. به جای زیرمتغیر "تراکم ابران و حرکت پیاده" عبارت "برو بیا داشتن در بازارچه‌های قدیمی" و "شلوغی و ازدحام" یا "سوت و کور نبودن" و به جای زیرمتغیر "احساس تعلق" عبارت "محله پدریمان را دوست می‌داریم" را به کار می‌برند. حتی به جای واژه تخصصی "سرزندگی" از عبارت "محله زنده یا نقطه مقابل آن محله مرده، کم‌تحرك، بی شور و حال، سوت و کور، ساکن و بدون تغییر و رها شده" استفاده می‌کنند. همچنین مشاهده می‌شود که مردم بر فاکتور سامان‌دهی و رسیدگی، مازاد بر معیارهای سرزندگی شهری تأکید دارند. از طرفی، وزن متفاوتی برای این معیارها در این شهر وجود دارد؛ بیشترین وزن به ترتیب به زیرمعیارهای دسترسی، سامان‌دهی و رسیدگی، رونق اقتصادی، اختلاط کاربری، سامانه هویتی فرهنگی و تراکم ابران اختصاص دارد.

یافته‌های کمی منتج از پرسش‌نامه‌ها که در بالا به آنها اشاره شد، در مطالعات کیفی و مصاحبه‌ها و رصد و رفتارشناسی و مردم‌نگاری سکنه بومی شهر اصفهان نیز تأیید شده و از این بخش نیز نتایج مشابهی حاصل شدند؛ به‌طوری که پنج ویژگی تأکید بر بعد رونق اقتصادی، دسترسی، همگنی و تعاملات اجتماعی بالا، منظر طبیعی بین سکنه بومی شهر اصفهان مشاهده شد.

جدول ۱۳. معیارهای سرزندگی از دیدگاه مردم بومی اصفهان

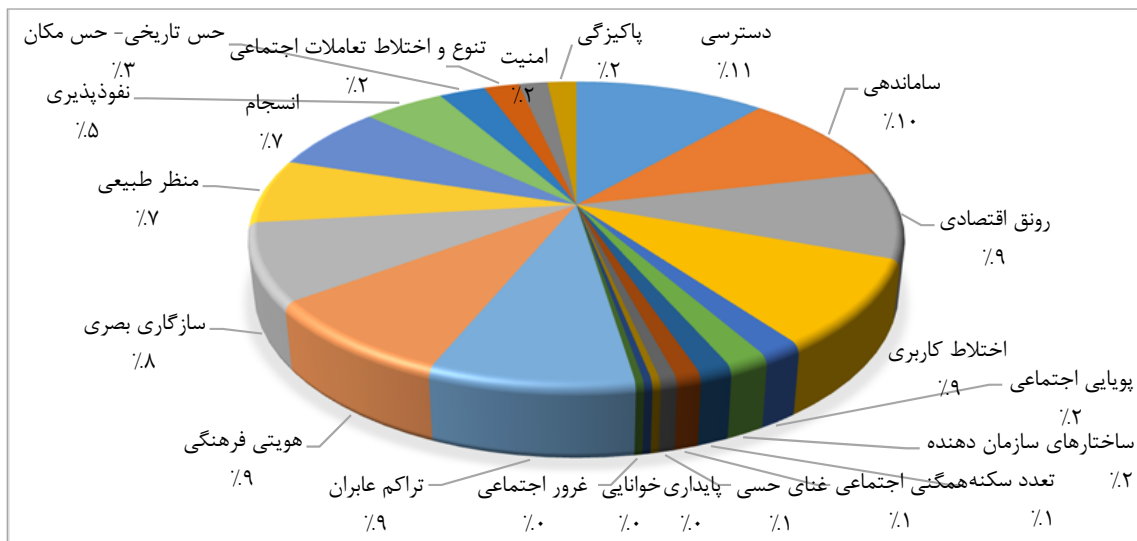
پاسخ‌ها با بیشترین فراوانی	زیرمتغیر مرتبط	فراوانی	درصد
فقدان تردد خودرو و موتورسیکلت و مکان‌های پیاده‌مدار با پیاده‌روهای عریض و مناسب و کف‌سازی مناسب و تمهیدات دوچرخه‌سواری و موتور برقی و اتصال بازارچه‌ها به هم	دسترسی	۱۱	۴
		۱۹	۶/۹
		۳	۱/۱
دسترسی راحت و بدون ترافیک با اتومبیل شخصی و وجود پارکینگ مناسب			
حمل و نقل عمومی مناسب			
سامان‌دهی و مرمت و احیا و بازسازی، نوسازی به شکل سنتی و رسیدگی و بازآفرینی تدریجی و جلوگیری از اقدامات عمرانی نیمه‌تمام و طولانی	سامان‌دهی و رسیدگی	۲۹	۱۰
رونق اقتصادی و مغازه‌های فعال و خرید و ایجاد فروشگاه‌های بزرگ و تبدیل به منطقه تجاری متناسب با قدرت خریدهای متنوع یا تمرکز بازارچه‌ها	رونق اقتصادی	۲۷	۹/۳

ادامه جدول ۱۳. معیارهای سرزندگی از دیدگاه مردم بومی اصفهان

درصد	فراوانی	زیرمتغیر مرتبط	پاسخ‌ها با بیشترین فراوانی
۹/۳	۲۷	اختلاط کاربری و کاربری جاذب	افزایش زمان ماندگاری با کاربری متنوع و تفریحی و جاذب جمعیت و شاداب (ورزشی، بدن‌سازی، فرهنگی، تفریحی، اوقات فراغت، رستوران، کافی‌شاپ و قهوه‌خانه و توریستی)
۸/۶	۲۵	تراکم عابران	تردد زیاد عابران و گردشگران و توریست‌ها به صورت شبانه‌روزی بالأخص در ساعات پایانی شب
۸/۶	۵/۵	سامانه فرهنگی هویتی منحصر به فرد	سطح فرهنگی اجتماعی بالای سکنه
	۱/۷		فعالیت سرزنده و شاد مانند ورزش صبحگاهی در پارک‌ها، مراسم سنتی و سرزندگی عابران
	۰/۷		وجود هویت فرهنگی و سنت‌های گذشته و پوشش لباس قدیمی توسط خود مردم
	۰/۷		ایجاد نهادهای فرهنگی و خیریه و کنترل فقر شهری
۸/۳	۲۴	سازگاری بصری	زیباسازی، بنا و نمای خوب و باکیفیت، بدنه، کف‌سازی و جزئیات زیبا و حذف نازیبایی‌ها
۶/۹	۲۰	منظر طبیعی	وجود عناصر طبیعی، درختان، فضای سبز و گل و گلدان و پارک و نصب گلدان در دیوارها
۶/۹	۰/۳	انسجام	عدم تفاوت زیاد بین بافت شهری و بافت جدید و قدیم، بالاشهر و پایین شهر
	۶/۶		رفع فرسودگی، نوسازی، فقدان مخروبه و زمین و خانه متروک و نیمه‌تمام
۴/۸	۱۴	نفوذپذیری	سهولت تردد در بافت‌های قدیمی
۲/۸	۸	حس تاریخ و مکان	وجود و مرمت آثار و بناهای تاریخی و ایجاد عناصر جدید یادآور عناصر قدیمی مانند پیرنشین
۲/۱	۶	تعاملات اجتماعی	تعاملات اجتماعی، اتحاد و یکپارچگی اجتماعی، ایجاد فضای تعامل
۱/۷	۰/۷	امنیت کالبدی-اجتماعی	تناسبات مناسب فضایی و گشاده مانند میدان نقش جهان
	۱		امنیت
۱/۷	۵	پاکیزگی	نظافت و پاکیزگی (هوای پاک، ...)
۱/۷	۵	پویایی اجتماعی	ایجاد پویایی و جنب‌وجوش مردم و روحیه
۱/۷	۵	ساختارها	به‌روزرسانی و ایجاد کاربری نیاز روز و جدید و بناهای مهندسی‌ساز، بهینه‌سازی زیرساخت
۱/۴	۴	تعدد سکنه	عدم متروکه بودن فضاها، وجود و تراکم سکونت بالا
۱	۳	همگنی اجتماعی	پیش‌بینی طیف متنوع سنی استفاده‌کننده از خردسال تا سالمند و اختلاط سنی برابر به جای جمعیت غالب سالمند و تنوع سطح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی
۰/۷	۲	غناى حسی	وجود موسیقی سنتی یا صداهای خاص مانند بلبل یا مسگری، اذان
۰/۳	۱	پایداری	حفظ محیط زیست
۰/۳	۱	خوانایی	دارای عناصر راهنما و خوانا
۰/۳	۱	غرور اجتماعی	نام مناسب خیابان
۱۰۰	۲۹۰		جمع کل

*تأکید ویژه مردم اصفهان به میدان نقش جهان و بازار بزرگ به‌عنوان نمونه یک مکان سرزنده در اصفهان

(نگارندگان)



تصویر ۱. متغیرهای اثرگذار در سرزندگی از دیدگاه مردم شهر اصفهان (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال این هدف بود تا با تعریف معیارهای تاریخی و بومی سرزندگی و قیاس آن با مفهوم سرزندگی شهری، به حفاظت از ارزش‌های بومی و تاریخی سرزندگی بپردازد. در این راستا، سه پرسش مطرح شد. در پاسخ به پرسش اول، نتایج واکاوی قیاسی مفهوم سرزندگی شهری با سرزندگی تاریخی نشان دادند در اصفهان تاریخی تمام معیارهای سرزندگی شهری مستخرج از ادبیات نظری، برقرار بوده، اما هر زیرمتغیر، متناظر تاریخی و بومی خود را داشته است؛ به‌عنوان مثال، اگر در نیواورلئان، سامانه فرهنگی هنری، برگزاری فستیوال‌های موسیقی خیابانی است، در گذشته تاریخی اصفهان این سامانه فرهنگی هنری به معنی آواز دراویش یا حرکت دسته‌های عزاداری در مراسم مذهبی تاسوعا و عاشورا بوده که همچنان این مراسم در زمان حال نیز به قوت خود پابرجا است، یا زیرمعیار اختلاط کاربری به قوت در میدان نقش جهان با تجمع راسته بازارهای تخصصی متنوع حول یک میدان تعریف شده است.

در پاسخ پرسش دوم، نتایج واکاوی قیاسی سرزندگی شهری و سرزندگی بومی، بر زیرمعیارهای ۳۰ گانه سرزندگی شهری صحنه گذاشته و معیار سامان‌دهی مازاد بر ۳۰ فاکتور اشاره شد. وزن زیرمعیارها در اصفهان متفاوت بود؛ بیشترین وزن به فاکتورهای دسترسی، سامان‌دهی، رونق اقتصادی، اختلاط کاربری، سامانه هویتی و تراکم عابران اختصاص یافت. مطالعات کیفی بر وزن بالای زیرمعیار رونق اقتصادی، دسترسی، تعاملات و همگنی اجتماعی و منظر طبیعی اشاره دارند.

در پاسخ به پرسش سوم، روش تحقیق تحلیلی تاریخی ثابت نمود فضای شهری متناظر اوج سرزندگی شهری در گذشته تاریخی اصفهان، میدان نقش جهان بوده که بیشترین زیرمتغیر سرزندگی در آن می‌گنجیده، روش تحقیق دوم به شیوه پیمایش نیز اثبات نمود متناظر سرزنده‌ترین فضای شهری اصفهان در حال حاضر نیز میدان نقش جهان است.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود در راستای خلق سرزندگی شهری در شهرهای ایران بالأخص شهرهای با سابقه تاریخی، معیارهای تاریخی و بومی همان شهر لحاظ شوند و جهت حفاظت از هویت بومی و فرهنگی هر شهر، از کاربری معیارهای یکسان با وزن مساوی در تمامی شهرها و با برداشت ناصحیح از معیارهای جهانی پرهیز شود.

پی نوشت

4. Social Homogeneity

منابع و مآخذ

- ابریشمی، فرشاد (۱۳۹۳). اصفهان قدیم. مجموعه عکس‌های تاریخی ایران. چاپ اول، تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۹۵). "تاریخچه قهوه‌خانه‌ها در ایران". مصاحبه با گروه تاریخ مشرق، ۱۹ تیر ۱۳۹۵، <https://www.mashreghnews.ir/news/600618>
- بلیک، پی، استفان (۱۳۸۸). *نصف جهان، معماری اجتماعی اصفهان صفوی*. ترجمه محمد احمدی‌نژاد، چاپ اول، اصفهان: خاک.
- بنتلی، ایان؛ ال‌کک، آلن؛ مورین، پال؛ مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۳۸۲). *محیط‌های پاسخ‌ده*. ترجمه مصطفی بهزادفر، چاپ اول، تهران: علم و صنعت.
- پامیر، سای (۱۳۹۴). *آفرینش مرکز شهری سرزنده*. ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، چاپ چهارم، تهران: علم و صنعت.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۸). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*. ترجمه حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر سرزندگی فضای شهری (خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم «مرکز خرید پیاده»). *هویت شهر*، ۴ (۶)، ۶۳-۷۴.
- دلاواله، پیترو (۱۶۱۷). *سفرنامه پیترو دلاواله*. ترجمه شعاع‌الدین شفا، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهقانی، حمید (۱۳۹۸). *تیپولوژی مناطق شهری ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم*. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال سی‌ام (۲)، ۱۱۷-۱۳۶.
- ذبیح‌زاده، عباس؛ مظاهری، محمدعلی؛ حاتمی، جواد و پناغی، لیلی (۱۳۹۶). *ساختار معنایی حریم خصوصی در فرهنگ ایرانی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۷ (۲۶)، ۳۶-۱۹.
- شاردن، ژان (۱۳۷۹). *سفرنامه شاردن*. قسمت اصفهان. ترجمه حسین عریضی، چاپ اول، اصفهان: گل‌ها.
- شاهپوندی، احمد؛ قلعه‌نویی، محمود و علی‌پور اصفهانی، مریم (۱۳۹۴). *بررسی ویژگی‌های کالبدی و اثرگذاری آن بر سرزندگی و زیست‌پذیری محله‌های قدیم شهری*. *مرمت و معماری ایران*، ۵ (۹)، ۱۳-۲۶.
- شولتز نوربرگ، کریستیان (۱۳۸۱). *معماری: حضور، زبان، مکان*. ترجمه علیرضا سیداحمدیان، چاپ اول، تهران: معمار نشر.
- شهریارنیوز (۱۳۹۸). *حیا سنت همیاری شهروندان در مدیریت شهر؛ از پارو کردن برف پشت بام تا کاشت درخت*. <http://www.shahryarnews.ir/news/59187>. بازیابی شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۸
- شیخ صراف، منوچهر (۱۳۹۳). *اصفهان در گذر زمان*. چاپ اول، اصفهان: گلدسته.
- صادقی، نگین؛ ذبیحی، حسین و اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۹۴). *مقایسه تطبیقی مکان‌یابی فضای سوم و نقشه‌شناختی احساس امنیت در فضای شهری (نمونه موردی شهر اصفهان)*. *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، سال پنجم (۲)، ۹۳-۱۱۶.
- فارسی، طیبه؛ ناسخیان، شهریار و شاهپوندی، احمد (۱۳۹۸). *ارزیابی پس از بهره‌برداری پاتوق شهری جهت بررسی اثرات آن بر ارتقای سرزندگی*. *آمایش محیط*، ۱۲ (۴۷)، ۱۴۵-۱۶۲.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۳۲). *زندگانی شاه عباس اول*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: نگاه.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۳). *در ستایش شرم: جامعه‌شناسی حس شرم در ایران*. چاپ هفتم، تهران: آمه.
- کالن، گوردون (۱۳۸۷). *گزیده منظر شهری*. ترجمه منوچهر طبیبیان، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- کریر، راب (۱۳۸۳). *فضای شهری*. ترجمه خسرو هاشمی‌نژاد، چاپ اول، تهران: خاک.

- کریمی یزدی، اعظم؛ براتی، ناصر و زارعی، مجید (۱۳۹۵). ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظرگاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری. *باغ نظر*، سال سیزدهم (۴۵)، ۱۳-۲۶.
 - گلکار، کوروش (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری. *صفه*، ۱۶ (۴۴)، ۶۶-۷۵.
 - لنگ، جان (۱۳۸۶). *آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.
 - لینچ، کوین (۱۳۷۴). *سیمای شهر*. ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
 - لینچ، کوین (۱۳۸۱). *تئوری شکل شهر*. ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
 - ماجدی، حمید و بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی معیار جهانی و بومی شهر زیست پذیر. *هویت شهر*، ۸ (۱۷)، ۶۵-۷۶.
 - مسعود، محمد و بیگزاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۲). *بناهای میان افزا در بافت های تاریخی*. چاپ اول، تهران: آذرخش.
 - مظاهری، هوشنگ (۱۳۹۰). *سیصد تصویر*، (نوشته و تصویر به ویژه از شهر اصفهان با نگارشی نو). چاپ اول، هوشنگ مظاهری.
 - نصرآبادی، محمداطاهر (۱۳۷۸). *تذکره نصرآبادی (تذکره الشعرا)*. جلد اول، تهران: اساطیر.
 - هدایت نژاد، مصطفی؛ هادیانی، زهره؛ حاجی نژاد، علی و عسگری، علی (۱۳۹۸). سرزندگی شهری، مفهومی میان رشته ای (واکاوی اصول، ابعاد و شاخص ها). *نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، سال ششم (۲۰)، ۷۵-۱۰۷.
 - هولتسر، ارنست (۱۳۸۹). *هزار جلوه زندگی*. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
-
- Abdul Aziza, A.; Sani Ahmada, A. & Edrus Nordinb, T. (2012). Vitality of Flats Outdoor Space. *Social and Behavioral Sciences*, 36, 402-413.
 - Altman, I. & Chemers, M. (1980). *Culture and Environment*. Brooks/ Cole Publishing Company.
 - Ardrey, R. (1966). *The Territorial Imperative*. New York: Atheneum.
 - Chapman, D. (1996). *Creating Neighbourhoods and Places in the Built Environment*. London, Weinheim, New York, Tokyo, Melbourne, Madras. Published by E & FN SPON.
 - Chardin, J. (1811). *Voyages du Chenalier Chardin*. Vols 4, 6, 7, 9 & 10. Paris: Le Normant.
 - Colantonio, A. (2007). *Social sustainability: an exploratory analysis of its definition, assessment methods metrics and tools*. UK: Oxford Institute for Sustainable Development.
 - Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*. Boston, Massachusetts, United States: Street-wise Press.
 - De Koe, D. (2013). "*Urban Vitality Through a Mix of Land-uses and Functions: An Addition to Citymaker*". MSc Thesis Land Use Planning-Landscape- Wageningen University.
 - Department of the Environment (1994). *Vital and Viable Town Centers*. Meeting The Chalenges. London: by URBED, HMSO.
 - DOE: Department of Environment (1992). *The Effect of Major Out-of- town Retail Development*. London: By BDP and the Oxford Institute of Retailing Management, HMSO.
 - Gehl, J. (2000). *New City Spaces*. Copenhagen, Denmark: Danish Architectural Press.
 - Hall, E.T. (1995). Toward a General Urban Theory, in Brotchie. *Cities in completion*. Batty, M.; Blakely, E.; Hall, P. & Newman, P. (Eds.). Melbourn: Lokgman Australia.
 - Işıklar, s. (2017). Vitality of The Cities. *International Journal of Architectural Engineering Technology*, 4, 18-23.
 - Jin, X.; Long, Y.; Sun, W.; Lu, Y.; Yang, W. & Tang, J. (2017). Evaluating cities' vitality and identifying ghost cities in China with emerging geographical data. *Cities*, 63, 98-109.
 - Kreuz, R. & Roberts, R. (2020). Understanding Personal Space Acrosscultures. <https://thereader.mitpress.mit.edu>. (Retrieved 20 November 2010).

- Lee, E. & Park, N. (2008). Cross-cultural analysis of residential design and housing behaviors: The case of Koran households in the United States. **In Interior Design Educator's Council International Conference**. United States. 681-690.
- Lu, Sh.; Shi, Ch. & Yang, X. (2019). Impacts of Built Environment on Urban Vitality: Regression Analyses of Beijing and Chengdu, China. *International journal of environmental Research and Public Health*, 16 (23), 1-16.
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, Vitality and Urban Design. *Journal of Urban Design*, 3 (1), 93-116.
- Oldenburg, R. (1999). **The Great Good Place: Cafes, Coffeeshops, Bookstores, Bars, Hair Salons And The Other**. New York: Marlowe & Company.
- Ozaki, R. (2002). Housing as a reflection of culture: Privatised living and privacy in England and Japan. *Housing Studies*, 17 (2), 209-227.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

